

بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار^۱

دکتر محمد مهدی مجاهدی مؤخر^۲

چکیده

ماهیت‌های وجودی قابل تصور در دنیای پیرامون یا عینی‌اند و یا ذهنی با منشأ عینی هستند. در این میان برخی از پدیده‌ها نه در جهان خارج حضور فیزیکی دارند و نه در زوایای ذهنی ارتکاز می‌شوند. آنچه هست جعل یک واقعیت بیرونی و یا ذهنی‌اند. پول به عنوان یک ابتکار بشری برای سهولت در مبادلات اقتصادی، می‌تواند ماهیتی عینی به شکل کالایی و یا کاغذی، بدون هیچ ارزش ذاتی و صرفاً امری قراردادی باشد. همچنین به شکل جعلی در «خلق اعتبار از هیچ» امکان اصطیاد آن وجود دارد. آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده است، مقایسه آراء و نظریات اندیشمندان غربی و اسلامی در باب ماهیت ارتکازی از پول و اعتبار است. در این مقاله نتیجه گرفته می‌شود که نوع نگاه غربی به مفهوم پول با تاکید بر «کارکرد پولی» و نگاه اسلامی به «ماهیت و چیستی پول» به نتایجی کاملاً متضاد منجر می‌شود. توجه به فرا گرد بازگشتی از ماهیت ذهنی و جعلی پول به امور واقعی و حقیقی هرچند در دو دیدگاه اشتراکاتی دارد. لیکن شیوه نگرش به «چیستی» یا «کارکرد» پول عملاً نوع تدقیق و تعمیق ورود به مفهوم پول و اعتبار را متفاوت می‌کند.

واژگان کلیدی: پول، ماهیت پول، اعتبار، بانک، خلق پول از هیچ

طبقه‌بندی JEL: E42, E51, E59, D91

۱. مبحثی تعیین کننده در حوزه ماهیت پول و اعتبار که در تاریخ بیست و ششم فروردین‌ماه سال ۹۲ در نشست‌های کرسی‌های ترویجی در محل دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در حضور منتقدان محترم جناب آقای دکتر رضا طالبو و حجت‌الاسلام و المسلمین محمداسماعیل توسلی ارائه شد.

۲. عضو هیأت علمی گروه اقتصاد بازرگانی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی – mojahedi@atu.ac.ir

۱- مقدمه

پدیده‌ها و ماهیت‌های قابل تصوّر در دنیای مادی پیرامون یا عینی و مشهوداند و یا تنها در زوایای ذهنی رسوخ می‌کنند و گاهی نیز نه مشاهده‌ای عینی است و نه مقوله‌ای ذهنی، بلکه هرچه هست جعل یک حقیقت عینی و یا ارتکاز ذهنی است.

یک پدیده ممکن است ماهیتی عینی داشته باشد به نحوی که تصویر یکسانی از پدیده‌های مادی پیرامون در ذهن نقش ببندد. تصور از درخت، کوه، دریا و رودخانه در تمامی افرادی که به عینه این نعمت‌های خدادادی را دیده‌اند، یکسان است. به بیان دیگر علم به وجود پدیده‌ای عینی، یک علم حضوری است به طوری که وجود علمی و وجود عینی یک شیء بر هم منطبق است. در مقابل یک ماهیت وجودی می‌تواند ذهنی و انتزاعی باشد. ذهن خلّاق با تعریف یا قرارداد کردن اصول اولیه بدیهی عقلی، مقدمات استنتاج و استدلال مبتنی بر عقل را پایه‌ریزی می‌کند و مفاهیم ذهنی جدیدی می‌سازد. در این راستا ممکن است ذهن در مقدمات تفکر خود بر مفاهیم عینی و مشهود نیز تکیه کند و مفاهیم انتزاعی خود را گسترش دهد. مفاهیم چه مقدمات عقلی محض داشته باشند و چه بر یافته‌های مشهود تکیه کنند در مسیر شکل‌گیری و تکمیل یافته‌های ذهنی به دلیل ماهیت غیر مشهودشان الزاماً تصویر یکسانی از مقوله ذهنی در تمامی اذهان ایجاد نمی‌کند، خصوصاً چنانچه نتواند به درستی اصول اولیه عقلی و عینی را تحلیل کند. در این میان برخی از امور نیز در مسیر ابداعات بشری در ذهن افراد رسوخ نموده است که نه در جهان خارج حضور فیزیکی دارد و نه در زوایای ذهنی ارتکاز می‌شود بلکه هر آنچه هست جعل و قلب یک حقیقت مشهود و یا یک مفهوم ذهنی مورد اتفاق همگان است. بدیهی است یک پدیده جعلی برای مقبولیت و پذیرش باید بر یک امر مشهود و یا مفهوم ذهنی اتّصاف شده بر یک امر عینی و یا مورد اتفاق عقلای جامعه تکیه نماید. در عین حال رسوخ مفاهیم ذهنی و به ویژه جعلی در اذهان اقشار جامعه به دلیل عدم یکسانی ارتکاز ماهیت آن، می‌تواند موجب سوءاستفاده‌های بی‌شمار شود.

پول به عنوان یک قرارداد اجتماعی چه به صورت پول کالایی و فلزی و چه به شکل پول رسمی بدون پشتوانه و یا اعتبار بانکی در دایره تصوّرات افراد جامعه جای می‌گیرد. لیکن قرارداد نمودن پول کالایی به دلیل ماهیت عینی و ملموس آن تصویر یکسانی در ذهن تمامی آحاد جامعه ایجاد می‌کند به گونه‌ای که به خوبی پول مغشوش و تقلبی از

پول فلزی رایج تمیز داده شده و به طور خودکار پول تقلبی از چرخه اقتصادی کنار می‌رود. در حالی که پول کاغذی بدون پشتوانه به اعتبار ارزش قرارداد شده روی اسکناس به عنوان ماهیت ذهنی، به مثابه یک اتصاف حقیقی از پول فلزی ذاتاً دارای ارزش، پذیرفته می‌شود. در این میان بانکداری ذخیره جزیی با جذب منابع سپرده‌ای به صورت پول کاغذی و تنها نگهداری کسری از وجوه سپرده گذاران به صورت نقد در کنار تعهد پرداخت عندالمطالبه وجوه سپرده گذاران، این گونه القا می‌کند که وجوه تمام سپرده‌گذاران در بانک است. در حالی که این نوع تلقی در ذهن سپرده گذاران یک جعل واقعیت ذهنی از «پول کاغذی قرارداد شده» است. در این رابطه دو مسئله حائز اهمیت است:

اول اینکه؛ انسان در تصور و تحلیل پدیده‌های پیرامونی خود در پی شناخت حقیقت و ماهیت و صورت معقول پدیده‌ها است و پدیده‌ای مانند پول هم از این قاعده مستثنی نیست. چنانچه پول به عنوان کالای عینی مورد پذیرش قرار گیرد کارکردی خودکار، متناسب با ارزش ذاتی و اعتباری آن دارد. در حالی که تصور ذهنی از یک ماهیت قراردادی تنها تعریف ذهنی را از آن پدیده مسموع خواهد ساخت و در نهایت ذهن این ارتکاز را به منزله یک اتصاف حقیقی می‌پذیرد ولی در عمل وجود خارجی ندارد.

دوم اینکه؛ ارتکازات ذهنی حداقل در حوزه اقتصادی از یک منشأ حقیقی و عینی سرچشمه می‌گیرد. لیکن در مسیر زمان ابتکارات، دامنه شمول آن را از منظر مصادیق عینی خارج می‌کند و به مرزهای ذهنی و حتی جعلی می‌کشاند، لیکن این اصل وجود دارد که ماهیت‌هایی که واقعی است یا ذهنی و یا جعلیاتی که نه عین است و نه ذهنی (بلکه جعل است) برای مقبولیت میان تمام افراد جامعه ضرورتاً باید به یک منشأ عینی تکیه کنند. در غیر این صورت امکان مقبولیت میان عامه مردم را نخواهد داشت.

آنچه در ادامه مقاله بدان پرداخته می‌شود، نقش ماهیت پولی در دامنه ارتکاز عینی تا انتزاع ذهنی و جعلی در بیان اندیشه و دیدگاه اندیشمندان غربی و رویکرد اسلامی است. در این میان به بیان دیدگاه‌های مختلف فکری غرب به ماهیت و کارکرد پول پرداخته می‌شود و در این رابطه نگرش اسلامی در برخورد با این مسئله با الگوی غربی مقایسه می‌گردد.

۲- کارکرد پول کاغذی و اعتبار بانکی به منزله ماهیت ذهنی و جعلی پول:

۲-۱. ورود پول کاغذی در چرخه مبادلات اقتصادی

فرض می‌شود دولت به سیاست مالی به منزله یک سیاست پولی می‌نگرد، به طوری که نیاز جامعه از پول نقد به منزله افزایش بودجه دولت است. بر این مبنا دولت در حوزه اقتصاد با انجام مخارج (G) و تأمین آن از طریق انتشار پول رسمی بدون پشتوانه^۱ اعمال حاکمیت می‌کند و جامعه با الزام قانونی این پول را به منزله اتصاف حقیقی از پول کالایی ارتکاز نموده و در مبادلات اقتصادی استفاده می‌نماید. به طوری که:

$$G_t = M_t \quad (۱)$$

چنین کارکردی از پول کاغذی همچنین به مفهوم سهولت در مبادلات و کارایی تخصیصی مترتب بر آن^۲ است. فرض می‌شود حجم پول کاغذی، بر اساس اندازه جمعیت و رشد آن تعیین می‌گردد. در این راستا چنانچه رشد جمعیت با نرخ n رشد کند، رشد پولی متناسب با رشد جمعیت تعیین خواهد شد، به طوری که با استفاده از رابطه (۱) می‌توان نتیجه گرفت:

$$G_{t+1} = M_{t+1} \quad (۲)$$

$$M_{t+1} = M_t(1 + g) \quad (۳)$$

$$n = g \quad (۴)$$

۲-۲. رفتار بانکداری اصل ذخیره جزئی در خلق اعتبار بانکی:

نهاد بانک شامل X بانک تجاری است که بر اساس روش ذخیره جزئی فعالیت می‌کند. بانک در چارچوب سازوکار اصل ذخیره جزئی افراد جامعه را به سپرده‌گذاری وجوه در اختیارشان تشویق می‌کند.

بر این مبنا نهاد بانک وجوه نقد سپرده‌گذاران (به شکل پول کاغذی) را به صورت حساب دیداری و یا حساب سپرده مدت‌دار اخذ و ضمن ارائه خدمات بانکداری رایگان به همه مشتریان، به سپرده‌گذاران مدت‌دار در سررسید، بهره پرداخت می‌کند.

1. Fiat Money

2. Samuelson, Paul, A (1958) 'An Exact Consumption loan Model of Interest with or without the Social Contrivance of Money' Journal of Political Economy vol 66 pp 1002-1011.

همچنین به سپرده‌گذاران عندالمطالبه تعهد پرداخت اصل وجه سپرده‌گذاری شده را می‌دهد. بانک از محل سرمایه نقدی و از طریق بخشی از وجوه سپرده‌گذاری شده، وام اعطا می‌کند.^۱

فرصت اعطاء وام و اخذ بهره از وجوهی که در اختیار بانک است لیکن تحت تملک بانک قرار ندارد، بانک را ملزم می‌کند که ضریبی از مانده وجوه سپرده‌گذاران را در بانک به صورت نقد نگهداری کند تا این تضمین به سپرده‌گذاران داده شود که پول آنان در بانک محفوظ است. در حالی که بخش عمده‌ای از این وجوه توسط بانک یا وام داده شده و یا صرف تأمین مالی در یک فعالیت سودآور شده است. در این رابطه چنانچه δ سهمی از سپرده‌های دیداری از کل سپرده‌های دیداری (D_D) باشد که وجه آن به صورت نقد (aM) نزد بانک نگهداری می‌شود و μ سهمی از سپرده‌های غیر دیداری به کل سپرده‌های غیر دیداری (D_T) تعریف شود که به صورت نقد (bM) نگهداری شده است و کل وجوه اعم از جاری و مدت‌دار در بانک نیز با نماد (D_G) تعریف گردد، مجموع پول نقدی که در X بانک موجود خواهد بود عبارت است از:

$$\alpha D_G = \mu D_T + \delta D_D \quad (5)$$

بانک با نگهداری این سهم از موجودی کل سپرده‌های بانکی (شامل دیداری و غیر دیداری) به صورت نقد این امکان را به تک تک سپرده‌گذاران می‌دهد تا هر زمان که بخواهند بتوانند مانده وجوه تودیع شده نزد بانک را برداشت نمایند. در مقابل چنانچه a ضریبی از کل پول کاغذی جامعه باشد که به صورت حساب جاری نزد بانک نگهداری می‌شود و b ضریبی از پول کاغذی تعریف شود که به صورت حساب مدت‌دار نگه داری می‌شود و همچنین e ضریبی از پول کاغذی باشد که به شکل نقد در دسترس تمام افراد جامعه است، می‌توان نوشت:

$$M = aM + bM + eM \quad (6)$$

به طوری که:

۱. در این رابطه می‌توان فرض کرد که در یک الگوی بین نسلی با دو گروه اجتماعی با مشخصه رجحان زمانی متفاوت، بانک می‌تواند از منابع سپرده‌ای افراد با رجحان کمتر برای وام دهی به گروه اجتماعی با رجحان بالاتر استفاده نماید. برای مطالعه بیشتر می‌توان به مقاله نویسنده با عنوان "مدلسازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره‌ی جزئی..." فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی-شماره ۵ پاییز ۱۳۹۰ رجوع نمود.

(۷)

$$a + b + e = 1 \quad 0 < a, b, e < 1$$

می‌توان نوشت:

(۸)

$$\frac{aM}{D_D} = \delta, \frac{bM}{D_T} = \mu$$

(۹)

$$D_D = \frac{aM}{\delta}, D_T = \frac{bM}{\mu}$$

با استفاده از روابط فوق می‌توان نتیجه گرفت:

(۱۰)

$$M_B = D_D + D_T - \delta D_D - \mu D_T$$

$$M_B = \left(\frac{aM}{\delta} + \frac{bM}{\mu} - aM - bM \right) \quad (۱۱)$$

$$M_B = M \left(\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b \right)$$

رابطه (۱۱) نشان می‌دهد که با توجه به سهم سپرده جاری و مدت‌دار از کل حجم پول کاغذی و نیز سهمی که بانک از کل سپرده‌های جاری و مدت‌دار برای مواجهه با برداشت مشتریان نزد خود نگاه داری می‌نماید، میزان خلق پول بانکی به شکل فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. در مسیر خلق پول، بانک این تصور را در اذهان ایجاد کرده است که تمام وجوه نقدی سپرده‌گذاری شده نزد بانک موجود است. در حالی که در واقع امر به ازاء هر واحد پولی سپرده‌گذاری شده در بانک با ادعاهای زیادی از سوی سپرده‌گذاران روبرو است که این ادعاها ماحصل مکانیزم خلق پولی بانک و جعل امر ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی بدون پشتوانه انتشار یافته توسط دولت است که برای سپرده‌گذاران از سوی نهاد بانک ایجاد شده است. بانک سعی دارد پول اعتباری را به منزله پول کاغذی قرارداد شده در جامعه رواج دهد. در حالی که سازوکار خلق پول اعتباری ارائه شده در روابط (۸) تا (۱۱) نشان می‌دهد عملکرد بانک نوعی جعل واقعیت محسوب می‌شود. به بیان دیگر بانک مبادرت به جعل یک ماهیت ذهنی قرارداد

شده از پول کاغذی نزد آحاد جامعه پرداخته است. در راستای تداوم این عملکرد نظام بانکی و پرهیز از ایجاد مشکل در ارائه یک مفهوم جعلی، کارکرد مطلوب نزد بانک این است که:

۱. سهم مبادلات از طریق حساب جاری و پول بانکی افزایش یابد و جامعه به تودیع وجوه نقدی خود در حساب‌های دیداری و غیر دیداری مبادرت نماید.

۲. مانده وجوه نقد سپرده‌گذاران نزد بانک به حداقل ممکن کاهش یابد
با فرض اینکه بانک خلق پول حاصل از رفتار ذخیره جزیی خود را تنها به اعطای وام اختصاص دهد و فرض شود سپرده قانونی در غیاب مقام ناظر بانکی وجود ندارد، رفتار وام دهی بانک با استفاده از رابطه (۵) به صورت زیر خواهد بود:

$$L_{t,t+1} = M_B = D_G - \alpha D_G = M \left[\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b \right] \quad (12)$$

رابطه (۱۲) روشن می‌سازد که بانک در چارچوب اصل ذخیره جزیی از طریق جعل یک ماهیت ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی با تغییر در نسبت وجوه نقد سپرده‌گذاری شده به کل سپرده‌های تودיעی سپرده‌گذاران از اقدام خود عایدی سرشاری را کسب خواهد نمود. عایدی بانک شامل بهره وام پرداختی $(1+i_L)L_B$ و هزینه‌های بانک شامل پرداخت بابت بهره حاصل از سپرده‌های مدت‌دار سپرده‌گذاران $i_D D_T$ ، هزینه (درآمد) استقراض (قرض دهی) از (به) سایر بانک‌ها به دلیل کسری (مازاد) وجوه $i_M(a+b)M$ و نیز پرداخت بابت خدمات رایگانی است که بانک برای تمامی مشتریان انجام می‌دهد $H(D_D, D_T, L_B)$. به طور مشخص، در این الگو تابع سود بانک عبارت است از:

$$\pi_B = (1+i_L).L_{B,t,t+1} \pm i_M(a+b)M_{t,t+1} - i_D.D_{T,t,t+1} - H_{t,t+1}(D_D, D_T, L_B) \quad (14)$$

با بهره‌گیری از رابطه (۱۱) عبارت خواهد بود از:

$$\pi_B = (1+i_L). \left(\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b \right) M_{t,t+1} \pm i_M(a+b)M_{t,t+1} - i_D \cdot \frac{bM_{t,t+1}}{\mu} - H_{t,t+1}(D_D, D_T, L_B) \quad (15)$$

با نگاه به نوع تابع سود در رابطه (۱۵) مشاهده می‌شود که بانک برای سود آوری در فعالیت خود و یا افزایش سود کافی است تا:

۱. نسبت وجوه نقد سپرده‌ای به کل سپرده‌های تودیع شده را کاهش دهد. سهم بالاتری از پول بانکی (در مقابل پول کاغذی) را در مبادلات اقتصادی به جریان اندازد و جامعه را برای تسویه مبادلات جاری اقتصادی از ناحیه بانک تشویق نماید. در عین حال هزینه‌های نقل و انتقالات بانکی را برای سهولت و استفاده بیشتر از پول بانکی به جای پول کاغذی تقبل نماید.

۲. اعتماد عمومی از وجود مانده وجوه تودیع شده آنان نزد بانک را برای عدم برداشت از حساب، جلب نماید.

۳. در صورت مواجهه با تقاضای روز افزون برداشت وجوه تودיעی (اعم از سپرده‌های جاری و مدت‌دار) برای تشویق و تهییج سپرده‌گذاران نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار (و در صورت لزوم حتی حساب‌های دیداری) را افزایش (و یا پیشنهاد) نماید. کارکرد این اقدام بانک در مسیر خلق اعتبار و تداوم جعل ماهیت ذهنی پول سه اشکال جدی بر عملکرد اقتصاد وارد می‌سازد.

۱. کارکرد بانکداری ذخیره جزیی به منزله جعل ذهنی از ناحیه وام دهی، تعادل پولی را از طریق ساز و کار خلق اعتبار و محو پول رسمی ایجاد بر هم می‌زند.

۲. تفاوت‌های سررسیدی ناشی از بدهی بانک در مسیر خلق اعتبار به شکل‌گیری و تثبیت نرخ بهره بانکی و تخصیص غیر بهینه منجر می‌شود.

۳. کارکرد ساز و کار خلق اعتبار به عدم تعادل در پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌انجامد و بستر رکود مداوم پولی را فراهم می‌سازد.

۳- دیدگاه برخی از اندیشمندان غرب در خصوص تصور عینی، ذهنی و جعلی از پول:

نقش مهم پول در ایجاد مبادلات جدید و تسهیل مبادلات جاری همواره این عامل را در کانون توجه اندیشمندان اقتصادی قرار داده است. معیار ارزش بودن، وسیله مبادله بودن و ذخیره ارزش بودن پول در کنار قدرت خرید پولی و نقش آن بر متغیرهای حقیقی اقتصاد از جمله چالش‌هایی است که در حوزه مکاتب فکری می‌توان پاسخ‌های متفاوتی را دریافت کرد. کارکرد پول با منشأ حقیقی، شکل کاغذی پول با منشأ قرارداد اجتماعی، پول به عنوان اعتبار محض و تبعات هر یک از این مصادیق، رهیافت‌های متفاوتی از نقش پول در اقتصاد را نشان می‌دهد که در این قسمت بدان پرداخته می‌شود.

۳-۱. کارل مارکس^۱

در اندیشه فکری مارکس، پول ارتباطی تنگاتنگ با رابطه اجتماعی افراد دارد و پیوند اجتماعی در ارزش مبادله‌ای پول نمایان می‌گردد. کار و محصول ناشی از فعالیت کاری انسان به مثابه یک ماهیت حقیقی باید از طریق ارزش مبادله‌ای که پول نماینده آن است، ایجاد می‌شود.

ارزش مبادله‌ای در نگاه مارکس یک مفهوم ذهنی است که افراد آن را قرارداد کرده‌اند. حتی اگر ماهیت آن عینی باشد. چرا که معیاری است تا کالاهای متفاوت از حیث جنس، کیفیت و کمیت را با هم، هم سنگ کند.

کالاها از این جهت که یکی نیستند و با نظام‌های گوناگون از نیاز انسانی هم خوانی ندارند، مبادله می‌گردند. کالا به منزله ارزش، یک مسئله عام است و به لحاظ کالایی واقعی، یک امر خاص. همچنین به مثابه یک ارزش همواره مبادله پذیر است. ماهیت پول در این راستا آن است تا دوشادوش کالاهای خاص به نقش مهم خود در جدا کردن ارزش مبادله‌ای کالا از خود آن کالا، اقدام نماید. در اینجا است که پول در عمل مبادله به عنوان واسطه مبادله به شکل «کالا- پول کالا» عمل می‌کند. به نحوی که اقتصاد از یک واقعیت ذهنی به عنوان ارزش، به وجود یک ماهیت حقیقی بازگشت کند.

در توسعه این مفهوم ذهنی، پول در حکم «وثیقه‌ای» است که مبادله می‌شود تا کالایی دریافت نماید. این نقش «وثیقه اجتماعی» پول از خاصیت نمادین پول نشأت می‌گیرد که شکل تغییر یافته‌ای از روابط اجتماعی افراد است. (مارکس، ۱۸۵۸، ص ۹۵) در بستر این نگرش گردش پولی و گردش کالایی معکوس یکدیگر عمل می‌کنند، لیکن این گردش معکوس پول و کالا بازگشتی است به گردش واقعی موجودی کالاها و این به مفهوم گذار از یک انتزاع ذهنی برای تسهیل مبادله به یک ماهیت واقعی به مفهوم کالایی حقیقی است. در این گردش پولی، پول تنها نقش ابزاری را بازی می‌کند که وظیفه آن بازگشت از یک کانون واحد (کالایی) به یک نقطه بازگشت کالایی است. چنانچه ماهیت مبادله از «کالا- پول- کالا» تبدیل به «پول- کالا- پول» شود، این امر تکراری پایان ناپذیر دارد و فراگردی نامتناهی خواهد داشت. در این بستر کالا با کالا مبادله

نمی‌شود بلکه این پول است که مبادله می‌شود لذا میان پول و کالا تمایزات شکل می‌گیرد و در این میان پول تنها وسیله مبادله نخواهد بود. بنابراین این انتزاع ذهنی در باب پول در این چارچوب باعث تضاد خواهد شد که این تضاد به گسستگی ذات عمل مبادله می‌انجامد (همان، ص ۱۲۹).

در این زمینه مارکس می‌نویسد:

«در انتزاع اعتبار بانکی به عنوان یک جعل ذهنی (در برابر واقعیت ذهنی پول) که هیچ چیزی وجود ندارد جزء اعتبار، حرکت از یک کانون واحد به نقاط مختلف پیرامونی است که لزوماً بازگشت آن از نقاط پیرامونی به کانون واحد نیست و این آغاز خروج از مدار طبیعی و خود انگیزته گردش کالایی و پول است» (همان، ص ۱۵۲).

در نگرش مارکس، وجود تضاد در رابطه مبادله به دلیل ماهیت عینی است که دو کالای مبادله شده و پول به عنوان ماهیت ذهنی و قراردادی دارند. کالا دارای جنبه‌ای طبیعی است و شکل وجودی آن به طور ایده آل حاوی ارزش مبادله‌ای است. در حالی که پول نمادی از پیوند با شکل طبیعی یک فرآورده است. این دو وجود عینی و ذهنی باید در این تفاوت به تضاد برسند که از ساز و کار «تز و آنتی‌تز» شرایطی فراهم می‌شود که دیگر امکان مبادله و تبدیل پذیری به پول و یا کالای دیگر وجود نداشته باشد. در اقتصاد چنانچه پول از یک کانون واحد به نقاط مختلف پیرامونی حرکت نماید الزاماً بازگشتی از این نقاط به کانون واحد وجود ندارد. این مسئله از دید مارکس آغاز شکل گیری تضاد در اقتصاد پولی و اضمحلال نظام اقتصادی است. در این میان تمایز و اختلاف میان کالا و پول به عنوان مصادیق تصور عینی خدادادی و تصور ماهیت ذهنی عنوان عامل تضاد در اقتصاد پولی به گسست در ذات عمل مبادله می‌انجامد و جبر تاریخی ضمن انهدام این سازوکار، اقتصاد را به ساختار جدیدی رهنمون خواهد ساخت.

آنچه این تضاد را محتمل‌تر می‌کند، عبور از یک مقوله عینی به یک انتزاع ذهنی در مسیر فراگرد گذار از یک ارتکاز ذهنی به موضوعی جعلی است که از پول به شکل اعتبار بانکی نشأت می‌گیرد. این کارکرد در مسیر گردش «پول - کالا - پول» اضمحلال اقتصاد پولی و در پی آن فروپاشی نظام سرمایه داری را تسریع می‌بخشد.

مارکس در اندیشه خود به درستی ماهیت ذهنی و جعلی پول را تشخیص می‌دهد. چنانچه پول فلزی از پول کاغذی فاصله بگیرد، ماهیت ذهنی و تصور مترتب بر آن می‌توانند به بحران اقتصادی و اجتماعی منجر گردد و این امر در شرایط جعل اعتبار به

طریق اولی این مسئله را تسریع می‌بخشد. نکته اینجاست که تضاد میان ماهیت انتزاع شده از پول به شکل اسکناس کاغذی و یا اعتبار خلق شده بانکی، از طریق یک جبر تاریخی نظام اجتماعی را تغییر می‌دهد و به بیان صریح مارکس:

«قانون تملک به ضد خود تبدیل می‌شود». از آنجا که ارزش مبادله‌ای در راستای ارضای نیازهای متقابل انسانی، مالکیت کار و یا محصول کار منتقل می‌شود، در تحولات بعدی ارزش مبادله‌ای وضع به صورت دیگری در می‌آید و سرانجام به جایی می‌رسیم که مالکیت خصوصی بر فراورده کار خود شخص در حکم جدایی کار و مالکیت است به طوری که کار به معنی ایجاد مالکیت برای غیر و مالکیت به معنی تسلط بر کار غیر خواهد بود.» همان ص ۱۹۱-۱۹۲.

هرچند پول به عنوان اشتقاقی از دلالت تقسیم کار انسانی در اندیشه مارکس مورد پذیرش قرار می‌گیرد. لیکن نتیجه عملی این اندیشه، حذف رابطه کار و مالکیت ناشی از کار است. چنانچه از تعریف قیمت به عنوان:

«ارزش مبادله‌ای به صورت پول همان قیمت است». همان ص ۱۳۲، پذیرفته شود انتقال مالکیت از طریق ارزش مبادله‌ای و قیمت پول تعیین می‌شود. در حالی که مارکس در انتهای بحث خود و در سیر تکاملی پول ارزش مالکیت را حذف شده می‌داند. پس ملاک مصرف و ارضای نیازها بر پایه چه معیاری قرار می‌گیرد. چنانچه معیاری جدا از انتقال مالکیت بر مبنای ارزش پولی و قیمت باشد، نقش انتقالی قیمت برای تخصیص عوامل تولید و تصمیم برای تولید نادیده گرفته می‌شود.^۱

۳-۲. اقتصاد پولی متعارف

نظریه مقداری پول به عنوان اصلی‌ترین دیدگاه پولی کلاسیکی به بیان علت نوسان عمومی قیمت‌ها می‌پردازد. فرض وجود اشتغال کامل عاملی است تا پول به عنوان یک ماهیت ذهنی تأثیری بر متغیرهای حقیقی نداشته باشد و نتواند به خودی خود محرک فعالیت‌های اقتصادی باشد.

بر این اساس دیوید ریکاردو^۲ بیان می‌دارد که در بازارهای آزاد رقابتی، که ارزش کالاها با توجه به هزینه‌های واقعی تولید می‌شوند و تمام نیروهای انسانی فعال هستند، پول

1. Filippo Cesarano (1998) "Providing for the Optimum Quantity of Money" Journal of Economic Studies Vol.25 No.6,
2. Ricardo

نمی‌تواند چنین قاعده کلی را بر هم ریخته و آن را از تعادل خارج کند. در نظریه مقداری پول جمع انباشت پولی معادل ارزش کل کالاهای خریداری شده است در نتیجه بازگشت از یک تصور ذهنی به یک ماهیت حقیقی و عینی، در نگرش کلاسیکی، پول یک اصل است. در این بستر پول نقشی معاملاتی دارد و در تعادل‌های والراسی و مارشالی تأثیری بر متغیرهای حقیقی اقتصاد نخواهد داشت. از این روست که تعادل عمومی در فضای الگوی ارو و دبرو^۱ هیچ‌گاه با عدم تعادل روبرو نخواهیم بود. زیرا پول نقش واسطه مبادله کالاهای مازاد را خواهد داشت و در این میان تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیز در همین راستا برقرار می‌گردد. به ویژه در بیان مفهوم وظیفه ذخیره ارزش برای پول چون در تعادل والراسی کالاها در قیمت تعادلی رد و بدل می‌شوند یک الگوی همزمانی است و لذا اصولاً پولی برای ذخیره ارزش وجود ندارد تا عدم تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را سبب شود.^۲

در نگرش کینزی از پول، این اصل پذیرفته می‌شود که اقتصاد در اشتغال کامل نیست و پدیده بیکاری و رکود اقتصادی برخلاف دیدگاه کلاسیکی اقتصاد سرمایه‌داری را با معضل مواجهه نموده است. در اندیشه کینزی، پول به دلیل داشتن خاصیت نقدشوندگی از سایر کالاها و موجد خاصیت ذخیره ارزش متمایز می‌شود بنابراین می‌توان پاداش نقدینگی را به شکل بهره پولی در کنار مفهوم پول تعریف نمود (کینز، ۱۹۳۶).

در حقیقت کینز نوعی انشقاق از ماهیت ذهنی پول را به صورت بهره پولی تعریف می‌کند که به عنوان پاداش نقدینگی نیز مفهومی ذهنی دارد و با مفهوم نرخ «بهره خودی» متفاوت است. در این نوع نگرش کینز ضمن پذیرش دیدگاه کلاسیکی بهره پولی که تنها به صورت رجحان زمانی مطرح می‌شود پاداش نقدینگی را نیز به عنوان انشقاق از مفهوم ذهنی ماهیت پولی در کنار رجحان زمانی حائز اهمیت می‌داند. وی در این مسیر نقش این ماهیت مشتق شده ذهنی را در رکود مداوم پولی و عدم اشتغال کامل بسیار مهم می‌داند. (همان، فصل ۱۷) در این زمینه کینز می‌نویسد:

«پول به منزله نوشیدنی است که دستگاه اقتصادی را به فعالیت وامی‌دارد و بر می‌انگیزد. بین فنان و لب چه بسا احتمال لغزش و سقوط باشد...» (کینز، ۱۹۳۶، ص ۲۰۳).
نظریه مقدار بهینه پول میلتن فریدمن (۱۹۶۹) با تمرکز بر پول به عنوان ماهیتی ذهنی

1. Arrow-Debro

۲. داوودی پرویز صمصامی حسین، «اقتصاد پول و بانکداری» تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۸.

یکی از اصلی‌ترین ره‌آوردها برای اقتصاد پولی است. پی‌آمد این تحلیل یعنی قاعده فریدمن یا قاعده شیکاگو دربردارنده یک نرخ تورم منفی است که نرخ بهره اسمی در اقتصاد را صفر نماید. صفر شدن نرخ بهره اسمی لازمه تخصیص کارای منابع خواهد بود. به نظر می‌رسد که نظریه مقداری پول به ویژگی‌های مجزای یک اقتصاد پولی اشراف دارد، تا جایی که پول را به عنوان یک کالای مجانی^۱ در مدل والراسی در نظر می‌گیرد، که «همچون هوا در یک محیط پاک است». با این وجود گرچه کسی هرگز به فکر فروختن هوا نمی‌افتد، اما همه با ولع یک اسکناس را تا مادامی که قادر به خرید کالایی کمیاب باشد، می‌پذیرند. در واقع فقط مطلوبیت نهایی موجودی پول به عنوان ارزش ذهنی ناشی از نگهداری پول می‌تواند به صفر برسد، اما مطلوبیت نهایی جریان پول نمی‌تواند صفر شود. در معنای دوم، اشباع شدن از مانده‌های پولی متضمن اشباع شدن از کالاهاست. در نتیجه در دیدگاه فریدمن با تعریف پول به عنوان یک مفهوم ذهنی و قراردادی که منشأ خلق آن دولت است، می‌توان مقدار بهینه حجم پول را در اقتصاد مشخص کرد. در نگاه فریدمن (۱۹۶۹) برعکس دیدگاه کینزی در مورد نقش رجحان نقدینگی به عنوان پاداش و بهره پولی، تعریف پول به مثابه ماهیتی ذهنی اشتقاقی از بهره پولی نیست و لذا برای تأمین شرایط بهینه پرتویی^۲ صفر باشد. در الگوهای نئوکینزی؛ چسبندگی قیمت‌ها، به دلیل قراردادهای کاری و یا انتظارات ناقص در رفتار، در فضای اطلاعات ناقص نقش یک سیاست پولی را به عنوان ابزاری قوی در بستر انتزاع ناقص ذهنی از پول، در متغیرهای حقیقی مؤثر می‌کند. فرض عدم وجود طیف یکسان پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران با فرض ارتکاز ذهنی از پول با انگیزه‌های احتیاطی و سوداگرانه برای نگاهداشت ذخیره پولی در کنار انگیزه احتیاطی، نقش مهم دخالت دولت را در ایجاد تعادل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بیش از پیش اهمیت می‌بخشد. به نحوی که بدون ورود مالیات و بودجه دولتی در ساز و کار تعادل امکان تعادل در شرایطی که انگیزه سوداگری مسیر «کالا - پول کالا» را به مسیر «پول - کالا» تغییر می‌دهد وجود ندارد. بنابراین چنین فضایی از نقش پولی در اقتصاد به غیر از وجود توهم پولی، اطلاعات ناقص و یا چسبندگی قیمت‌ها نمی‌تواند به رشد اقتصادی و یا تعادل بیانجامد.

در نگرش پولی نئوکلاسیکی؛ انتظارات عقلایی عاملی است که برای بازگشت از یک انتزاع ذهنی به یک ماهیت عینی و مشخص از پول به آن تکیه می‌شود. هرچند نیازهای معاملاتی و کسب ثروت مردم را به سمت نگهداری پول سوق می‌دهد لیکن در نگهداری پول طیف وسیعی از انواع دارایی‌ها و بازدهی آن‌ها در مقایسه با پول، تصمیم نهایی و کاملاً عقلایی را در میزان نگه داشتن پول کاغذی مشخص خواهد کرد. در این مسیر پیش‌بینی تغییر در سطح عمومی قیمت و یا تشدید انتظارات تورمی سبب می‌شود تا افراد از نگهداری پول نقدی که نتوانند آن را به ماهیت حقیقی کالاها بازگشت دهند، خودداری نمایند.

رویکرد انتظارات عقلایی به عنوان «کلاسیک‌های جدید»، دارای مبانی مشخصی از نگرش به ماهیت ذهنی پول است که در راستای نگرش کلاسیکی و تکمیل آن قرار می‌گیرد. رویکرد لوکاس^۱ (۱۹۷۵)، سارجنت^۲ (۱۹۷۶) و لوکاس و سارجنت (۱۹۷۸) شش رهیافت از انتزاع ذهنی پول و اعتبار در بستر انتظارات عقلایی ارائه می‌شود. (نیاهانز^۳، ۱۹۸۷)

۱. رفتار اقتصادی از طریق بهینه‌سازی منحصر به فرد راهنمایی می‌شود.
۲. تأثیر پول بر هزینه‌ها با استفاده از تئوری مقداری پول توضیح داده می‌شود.
۳. اگر نرخ بهره به عنوان یک وسیله سیاست‌گذاری استفاده شود، هزینه‌ها نامعین هستند.
۴. بازارها شفاف اند.
۵. پول خنثی است.
۶. یک سیاست عرضه پولی به استثنای تأثیر بر قیمت‌ها، بر بخش حقیقی اقتصاد تأثیری ندارد.

همچنین درآمد واقعی عاملی مهم در تعیین میزان پولی است که نگهداری می‌شود و تقاضای پول تابعی از قدرت خرید آن است. از این رو میزان پولی تقاضا می‌شود، که بتواند ارزش مبادله‌ای مشخص را برای خرید کالاها با مصادیق عینی، ایجاد نماید. نتیجه حاصله این که آنچه موجبات رشد اقتصادی را از طریق یک مکانیزم انتزاعی ذهنی (به صورت پول کاغذی) فراهم می‌آورد، عدم قدرت پیش‌بینی در فضای زمانی

کوتاه مدت توسط جامعه عقلایی است. بنابراین در بلندمدت که پیش‌بینی‌ها کامل و خطاها تصحیح می‌شود، نمی‌توان سیاست پولی را به صورت ابزاری برای خنثی کردن نیروهایی که در کوتاه مدت موجب بی‌ثباتی اقتصادی شده‌اند و یا برای اهداف سیاستی مشخص نظیر رشد اقتصادی و اشتغال، بکار برد.

در نگرش متعارف اقتصاد پولی، پول طیف متفاوتی از کارکردها را در اقتصاد ایفا می‌کند. این که چگونه می‌توان از ناحیه انتشار پول بر متغیرهای حقیقی تأثیرگذار بود به نقش واکنش ذهنی تک تک افراد در تصور درست یک سیاست اقتصادی و یا پردازش عقلایی و منطقی آن باز می‌گردد. چنانچه پردازش اطلاعات توسط ذهن در بستر عقلانیت اقتصادی انجام پذیرد امکان تأثیرگذاری بر مفاهیم حقیقی و مشترک فراهم است و چنانچه اطلاعات به شکلی ناقص به ذهن عاقل وارد شود و یا عقل و تصور انسانی به درستی ماهیت ذهنی پول را انتزاع نکند، انتشار پول با ماهیت ذهنی در متغیرهای حقیقی باعث تغییر خواهد شد. تأکید بر منطق عقلایی و یا توهم پولی یا تأکید بر اطلاعات کامل و یا ناقص در بازگشت از پول با مفهوم ذهنی آن به ماهیت حقیقی کالایی خللی ایجاد نمی‌کند بلکه آنچه تحت تأثیر قرار می‌گیرد اثرات توزیع درآمدی متأثر از درک صحیح و یکسان از مفهوم ذهنی پول است.

۳-۳. اقتصاد مکتب اتریش و مکانیزم اعتبار محض (ویکسل^۱، فون مایز^۲، هایک^۳)

در ادبیات مکتب اتریش که ویکسل سردمدار آن است، پول فلزی و پول کاغذی به عنوان دو شکل از تصویر عینی و ذهنی از کارکرد پولی هیچ جایگاهی ندارد و مبادلات اقتصادی از طریق ساز و کار اعتبار محض بانکی صورت می‌پذیرد. اهمیت رفاهی این سیستم از طریق ثروت مجازی برقرار می‌گردد. این استدلال وجود دارد که در پرتو انتشار پول اعتباری محض رقابت بر سر انتشار پول خصوصی توسط نظام بانکی و در بستر رقابت کاملاً آزاد، یک پول با ثبات ظهور کند. در این شیوه عملکرد بانک در خلق پول اعتباری کاملاً آزاد است و عملاً ما به ازاء بیرونی از پول حتی به شکل یک قرارداد رسمی اجتماعی نیز وجود ندارد، هر چه هست اعتبار است. (ویکسل، ۱۹۰۷)

رویکرد اعتباری محض برخلاف نگرش کلاسیکی که مکانیسم تعادل را در پرتو تعادل

کالایی تعریف می‌کند و پول را تنها حجابی می‌داند که تنها متغیرهای اسمی را تحت تأثیر قرار دهد، شرط ایجاد تعادل کالایی را وجود تعادل در بازار پول می‌داند. بر این اساس تعادل نرخ بهره پولی و نرخ بهره طبیعی لازمه تعادل کالایی است.

تصویر ذهنی اعتبار محض هرچند از ناحیه افراد با تصور کارکرد پول فلزی و کاغذی و ماهیت آن‌ها همراه است. لیکن از ناحیه انتشار دهنده اعتبار این مسئله یک فرایند کاملاً انتزاعی است که تماماً بر پایه جعل ذهنی (به مفهوم نبود هیچ گونه پول با ماهیت کالایی و یا پول کاغذی بدون پشتوانه) پایه‌گذاری شده است (بلوفیور^۱، ۱۹۹۴). به بیان دیگر در فراگرد تصور ذهنی از پول کاغذی، سابقه‌ای از پول فلزی نزد اذهان جامعه فراهم است، لیکن این تصور در مکانیزم اعتباری محض در چارچوب ماهیت ذاتی پول (به عنوان پول کالایی) و در ویژگی قراردادی آن (به صورت پول کاغذی)، برای پذیرش آن نزد جامعه القا می‌شود، لیکن عملکرد بانک در مسیر خلق اعتبار و با توجه به نوع القای ذهنی به جامعه، نوعی جعل واقعیت عینی و یا ذهنی از پول است. در این راستا آنچه پیوند دهنده این مفهوم اعتباری به موضوع عینی است ارتباط نرخ بهره پولی با نرخ بهره طبیعی است و شرط تعادل اقتصادی از طریق تساوی میان دو نرخ بهره پولی و طبیعی برقرار می‌گردد. (ویکسل، ۱۹۰۷)

گردش کالایی از مسیر گردش اعتبار و انباشت یا خالی شدن حساب‌های اعتباری بانکی ایجاد می‌شود. نظام اعتباری بر مبنای یک نهاد اعتباری واحد است که با شمار کافی از خطوط فرعی گسترده شده است. در این زمینه ویکسل بیان می‌کند: «در یک اقتصاد اعتباری محض هم پرداخت‌ها از طریق حساب بانکی صورت پذیرد. بانک قادر است تا در هر لحظه و در هر میزان از وام را هر نرخ از بهره، حتی بسیار کم اعطاء نماید» (همان، ص ۲۱۵).

پذیرش اصل بازگشت موضوعات اعتباری و ذهنی به مبانی حقیقی و عینی در اینجا نیز کارکرد خود را از طریق شکل‌گیری تورم خود افزا آشکار می‌کند و رو در روی مکانیزم اعتباری محض قرار می‌گیرد. تعادل طبیعی اقتصاد در چارچوب انتزاع اعتباری، از ماحصل «پس انداز اجباری» تأمین و تضمین می‌شود. در این راستا بانک به دلیل فرآیند خود افزای تورم و بازگشت از اعتبار به ماهیت طبیعی کالایی اعتبار نامحدود خود را از طریق «پس انداز اجباری» در کنار «پس انداز اختیاری» مدیریت می‌کند.

فون مایز به عنوان دیگر اندیشمند مکانیزم اعتباری محض، رسیدن به تعادل نرخ بهره طبیعی و نرخ پولی را بدون آشفتگی در مکانیزم تولید، نمی‌پذیرد. در این نگرش، اعتبار نامحدود خلق شده بانک، نسبت قیمت‌ها را تغییر می‌دهد، فرایند تولید را طولانی می‌کند، تعادل بهره‌ای جدید با افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی برقرار می‌گردد و پس انداز اجباری در بخش مصرف و فرسودگی تکنولوژیک در حوزه تولید، راه را برای توسعه اعتبار و خلق اعتبار جدید فراهم می‌کند.

در نگرش مایز فرض تنها وجود یک بانک واحد در نظام اعتباری محض امکان نامحدود خلق اعتبار را فراهم می‌کند و وجود بانک‌های متعدد در فضای رقابتی جهت خلق اعتبار، می‌تواند ارزش اعتباری بانک را کاهش دهد، مگر اینکه اهداف بانک‌ها در خلق اعتبار در یک راستا قرار داشته باشند. (مایز، ۱۹۷۱)

مایز برای ترسیم ساختاری از اعتبار محض نامحدود، ساختاری هرمی را معرفی می‌کند که در رأس آن یک بانک انحصاری انتشار دهنده اعتبار می‌تواند تضمین کننده مکانیزم اعتباردهی بانک‌های دیگر باشد. بانک‌های زیرمجموعه نیز در فضایی رقابتی و در محیطی محدودتر، امکان خلق اعتبار و تسویه بدهی‌های خود را خواهند داشت. بنابراین سیستم بانکی می‌تواند بدون کمترین مشکل با پشتیبانی و حمایت ساختار هرمی، ساختار اعتباری خود را گسترش دهد. در این خصوص مایز می‌نویسد:

«بانک‌ها حکومت مستقل و خودمختاری دارند که به آن‌ها قدرت ابتکار عمل می‌دهد تا با استفاده از کشش بی نهایت عرضه اعتبار به رشد تقاضای اعتبار اقدام نمایند... هر فردی که بخواهد قرض بگیرد مطابق قاعده نرخ بهره رفتار خواهد کرد، مشروط بر اینکه طیف مختلفی از انواع ریسک را محاسبه کرده باشد». (مایز، ۱۹۴۹، ص ۵۲۲)

هایک دیگر اندیشمند اتریشی است که در تکمیل دیدگاه اعتباری محض به چرایی تغییرات در قیمت‌های نسبی و تخصیص کالایی در بستر خلق اعتبار می‌پردازد. تفسیر هایک از ادوار تجاری سرآغازی است برای بیان اثرات شکل‌گیری یک تصور ذهنی و جعلی از ماهیت پولی و اعتباری، که تعادل‌های جدید قیمتی و نرخ بهره را ایجاد می‌کند. مطابق دیدگاه هایک در حالت کلی محدودیتی برای فعالیت بانک‌ها در گسترش اعتبار و خلق پول بانکی وجود ندارد، لیکن یک شرط اساسی وجود دارد که باید توسط بانک‌ها رعایت شود و آن نسبت پرداخت‌های نقدی و پرداخت از طریق چک است در طیف اظهارات هایک (۱۹۳۳) می‌توان کشف کرد که استدلال آشکاری وجود دارد که بانک‌ها نمی‌توانند به طور نامحدود اعتبارات خلق شده خود را گسترش و توسعه دهند

(هایک، ۱۹۳۵). وی تاکید دارد که منابع اقتصادی در بستر خلق اعتبار به تخصیص‌هایی هدایت می‌شوند که در حالت عادی بدان ورود نمی‌یافتند. در این راستا، تورم غیرقابل کنترل، و تخصیص‌های نا کارا الزام می‌کند تا بانک مرکزی به نظارت بر اعتبارات خلق شده بانکی جدی باشد. در این رابطه شرط اساسی برای جلوگیری از بحران اقتصادی با منشأ اعتباری محض، در جلوگیری از رشد عرضه پول بیش از تقاضای پول است. این محدودیت در رشد عرضه پول این تضمین را می‌دهد که رشد قیمت‌ها همواره از رشد عرضه اسمی پول بیشتر بوده و تقاضا برای مانده حقیقی همواره وجود داشته باشد و تقاضا برای عرضه اعتبار بانکی تضمین شود.

دیدگاه اعتباری محض به منزله پذیرش یک ارتکاز جعلی مبتنی بر بدهی است که در نه جهان واقعی و نه در تصور ذهنی وجود خارجی ندارد. در این راستا کارکرد «پس‌انداز اجباری» و «پس‌انداز اختیاری» به عنوان ویژگی شاخص اعتبار بر پایه بدهی در کنار نقش تورم خود افزا عوامل مهم در کارکرد بانکداری محسوب می‌شوند. انتقال ثروت و تغییر در ترکیب توزیع درآمد از طریق تورم شتابان - در بستر خلق اعتبار بدون پشتوانه - که باهدف تأمین پول ارزان گسترش سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد ضمن ناعادلانه بودن، علائم کاذبی را نیز به اقتصاد جهت تخصیص منابع ارائه می‌دهد. چنانچه ترجیحات مصرفی با انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و منافع بانکی همسو نباشد این موضوع می‌تواند به بحران‌زا باشد. چرا که سازوکار بازگشتی از اعتبار با منشأ هیچ به ماهیت‌های حقیقی اقتصاد، در مواجهه با تعهدات بانکی و خطر ناشی از کاهش خوش‌نامی بانک، اقتصاد را با معضلات جدی روبرو می‌کند.

همچنین پایه‌گذاری اقتصاد بر پایه‌های اعتبار بانکی که در آن اعتبار بر اساس بدهی است، ایجاب می‌کند که پذیرش تحولات تکنیکی و نوآوری در تولید که به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد، چنانچه با منافع بانک و نظام بانکداری در فراگرد بروز «پس‌انداز اجباری» در تضاد باشد، هیچ‌گاه به منصفه ظهور نرسد. در نتیجه در بستر تحول و ابداع تکنیکی که کاهش تورم می‌تواند نتیجه آن باشد، منافع بانک (با الزام وجود پس‌انداز اجباری برای تداوم این سیستم) با منافع جمعی در تقابل و تضاد قرار خواهد گرفت.

به بیان دیگر بانک باید در کنار عرضه اعتبار تضمین کافی برای تقاضای اعتبار داشته باشد. این تضمین از طریق کاهش مانده حقیقی پول به علت تورم ایجاد می‌شود. چنانچه ماهیت عملکردی بخش تولید در نگاه کلان منجر به کاهش دائمی سطح

قیمت‌ها بینجامد، بانک با کاهش تقاضا برای اعتبار مواجه خواهد شد. این موضوع از طریق طولانی کردن فرایند تولید، ناکارایی در حوزه تولید به دلیل اهمیت محوری نرخ بهره پولی در تنظیم رفتار بخش حقیقی اقتصادی، تضمین کافی را به بانک برای تداوم فعالیت خواهد داد، لیکن این تضمین با عدم تعادل‌ها در بستر بخش حقیقی اقتصاد را فراهم می‌شود.^۱

۳-۴. نظریات بازگشت به الگوهای ذهنی ماهیت پولی

در طیف فکری نظریه پردازی ماهیت پول و طبقه بندی آن در ماهیت‌های عینی تا نگرش جعلی اعتبار، بازگشت به مفهوم ذهنی از ماهیت پولی در حوزه فکری اندیشمندانی نظیر فیشر^۲ (۱۹۳۵)، سیمونز^۳ (۱۹۳۶) و موریس اله^۴ (۱۹۴۷) و (۱۹۹۳) تبلور یافته است. آثار بحران‌زای نگرش جعلی از پول و تأثیرات نامطلوبی که بر توزیع درآمد، تفاوت در علائق سرمایه‌گذاری و ترجیحات مصرفی و شکل‌گیری ادوار تجاری دارد؛ زمینه را برای «هجوم بانکی»^۵ «سقوط اعتباری»^۶ و «وحشت بانکی»^۷ فراهم نمود.

شیوه مکانیزم اعتباری، که در آن ذهن انسان در خالی از تصورات عینی و حتی تصویر ذهنی از ماهیت پول است، اندیشمندان مذکور را به ارائه الگویی جهت مقابله با این جعل ذهنی انداخت. بر این مبنا فیشر (۱۹۳۳) عامل موثر در ایجاد «چرخه‌های تجاری» را در شرایط رکودی دهه ۳۰ در «بیماری بدهی»^۸ و «بیماری دلار»^۹ می‌داند. در این راستا حلقه اتصال این رخداد از این مراحل پیروی می‌کند:

۱. بدهی نقدی و فروش از سر ناچاری
۲. کساد و بحران در پول با منشأ چک و سپرده‌های جاری که توسط بانک تضمین می‌شود.
۳. کاهش در سطح قیمت.

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توان به مقاله نویسندگان با عنوان «مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره‌ی جزئی...» فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی- شماره ۵ پاییز ۱۳۹۰ رجوع نمود.

2. Fisher
3. Simons
4. Allais
5. Bank Run
6. Credit Crunch
7. Banking Panic
8. Debt Disease
9. Dollar- Disease

۴. کاهش بزرگ‌تر و بیشتر در ارزش خالص فعالیت‌های تجاری.
۵. کاهش در سود.
۶. کاهش سطح تولید، تجارت و نیروی کار.
۷. بدبینی و کاهش اعتماد.
۸. کنز پول و کاهش آن با وجود سرعت گردش بیشتر.
۹. ناپایداری پیچیده و حاد در نرخ بهره (کاهش در نرخ بهره طبیعی و افزایش در نرخ بهره واقعی).

در این میان زنجیره رخدادهای مطرح شده، ارتباطات درونی نیز میان آن‌ها وجود دارد که ممکن است دلایل گوناگونی داشته باشد. لیکن اصل «بدهی و رکود» در تمامی این حلقه‌ها دیده می‌شود. (فیلیپس^۱، ۱۹۹۴) در این رابطه نقش جعل اعتبار در کساد و کاهش اعتماد عمومی، کنز پول فلزی و یا پول کاغذی و به جریان انداختن پول اعتباری نامطمئن برای دوری از ریسک و خطر عدم مقبولیت آن کاملاً مشهود است.

ایده اصلی در نگرش فیشر برای حل مسئله بازگشت به تجربه تاریخی قبل از پول کاغذی به عنوان مبنایی متناسب با ارزش ذاتی پول فلزی است، به نحوی که نگاه ذهنی به ماهیت پول را به مفهوم عینی آن ارتباط می‌دهد. در این راستا وی به دنبال انباشتی از پول توسط جامعه است که؛ افزایش قدرت خرید، افزایش استخدام نیروی کار و افزایش سود را ایجاد نماید. بر این مبنا وی معتقد است ذخیره صد درصدی پول توسط نظام بانکی به جای خلق اعتبار سریع‌ترین و آسان‌ترین راه برای اصلاح اقتصادی است. در این زمینه او بیان می‌کند:

«بدون ثبات پولی مکانیزم سود خصوصی تنها چند روز بیشتر دوام نخواهد داشت و بهترین روش مطمئن بر خلاف آنچه به انقراض و انحلال نظام سرمایه داری می‌انجامد، ساز و کار ذخیره ۱۰۰ درصدی پول است که توسط بانک‌ها نگاه داری می‌شود» (فیشر، ۱۹۳۴) (به نقل از فیلیپس، ۱۹۹۴، ص ۱۰۵)

در حقیقت شیوه فیشر در کاهش تبعات انتشار پول به جای بازگشت پول به ماهیت حقیقی، بازگشت مفهوم پول اعتباری به ماهیت ذهنی پولی است که دولت منتشر می‌کند.

هنری سیمونز به عنوان دیگر اندیشمند در این حوزه فکری نقش مخرب جعل اعتبار را

در فروپاشی مکانیزم پولی پر رنگ می‌بیند.

وی بیان می‌کند: «زمانی که بحران گسترش می‌یابد و زمانی که بازدهی شروع به کاهش یافتن می‌کند، هرج و مرج بیشتر می‌شود. هر بانکی به دنبال قراردادهای جدید برای وام دهی است ولی هیچ تقاضایی برای اعتبارات بانکی نیست» (فریدمن، ۱۹۶۹، ص ۸۵).

هنری سیمونز معتقد است از گذرگاه سرعت تغییر در مقدار پول اعتماد تجاری از میان خواهد رفت و فروپاشی اقتصاد از طریق کاهش اعتماد عمومی خود را نشان خواهد داد که علائم آن در رشد تقاضای نقدینه خواهی و تقاضای نقدینگی جامعه به صورت تقاضا برای پول نقد (و نه تقاضای اعتبار) جلوه‌گر می‌شود. این تقاضاها نمی‌تواند برآورده شود چرا که تلاش‌ها برای برآوردن آن مستلزم فشار برای افزایش نقدینگی است که شامل وجوه نقد بانک‌ها نیز می‌شود. بنابراین متوقف کردن فروپاشی نظام اعتباری در شرایطی که اعتماد عمومی کاهش یافته است ممکن نخواهد بود. در این رابطه مطابق اندیشه سیمونز، پول باید همسو با انعطاف‌پذیری قیمت‌ها در مسیر افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی نقش ایفا نماید و باید موتور محرکه اقتصاد باشد تا مبادلات را تسهیل نماید. این هدف در شرایطی که خلق اعتبار به ناپایداری ذاتی در ساختار مالی و بانکی منجر می‌شود حاصل نخواهد شد و لذا شرط لازم برای پایداری در یک اقتصاد بهبود ساختار مالی آن است. در عین حال سیمونز اعتقاد دارد که امید کمی وجود دارد تا سیاست پولی و مالی تنها تحت نمایندگی دولت باشد. اگر مقامات پولی دچار اشتباه شوند و به انتشار پول و نیز انتشار شبه پول تحت سایر عناوین (ابداعی) مبادرت ورزند، تلاش جهت هدایت و راهنمایی در مسیری که بیم‌ها و هراس‌ها در خصوص پول کاغذی (به منزله ماهیتی ذهنی) و هزینه‌های بالای نرخ بهره وجود دارد، اشتباهات مالی و نا اطمینانی به نحو تحمل‌ناپذیری ایجاد می‌شود. سیمونز به نقش ناپایدار پول کاغذی (به مثابه یک مفهوم قراردادی و ذهنی) توجه و تاکید می‌نماید. به نظر وی چنانچه مقامات پولی در عرضه پول کاغذی (یا پول پر قدرت) دچار اشتباه شوند می‌توان آثار مترتب بر خلق اعتبار بانکی را در این سیاست نیز مشاهده کرد؛ لذا هدایت یک سیاست پولی باید بر ثبات ارزش پولی استوار باشد. (سیمونز (۱۹۴۵) به نقل از فیلیپس (۱۹۹۴، ص ۱۵۹)

موریس اله دیگر اندیشمندی است که در حوزه پولی به ماهیت جعلی اعتبار اشاره صریح می‌کند. وی معتقد است:

«اعجازی که توسط اعتبار ایجاد می‌شود اساساً با شگفتی که از کار جاعلین می‌توان

انتظار داشت قابل مقایسه است. تنها تفاوت در سودی است که از ناحیه قرض دادن اسکناس و یا اعتبار جعل شده برای کسب بازدهی یا بهره پولی ایجاد می‌شود. هردو طیف انگیزه‌های یکسانی دارند لیکن تنها سود آن‌ها با هم متفاوت است» (آله، ۱۹۸۷، ص ۵۰۴).

شش ایراد اساسی که موریس آله بر این مکانیزم جعلی اعتبار وارد می‌داند عبارت‌اند از:

۱. خلق و محو پول از طریق بانک‌های خصوصی
 ۲. حساسیت مکانیزم اعتبار به نوسانات کوتاه مدت اقتصادی
 ۳. شکل‌گیری بنیان ناپایداری توسط ساز و کار قرض گرفتن در دوره زمانی کوتاه و وام دهی در بلند مدت.
 ۴. از بین رفتن توزیع عادلانه درآمد از ناحیه ادعاهای باطل و نادرست.
 ۵. عدم امکان کنترل در خصوص مکانیزم اعتبار.
 ۶. عدم وجود نظارت و کنترل موثر بر عرضه کل پول.
- در این رابطه موریس آله اصول اساسی در هدایت اقتصاد را بدون جعل اعتبار در خلق پول توسط دولت می‌داند به نحوی که هیچ پولی نباید خارج از چارچوب پایه پولی منتشر و یا خلق شود. همچنین هیچ فرد یا نهادی نباید امتیاز سود آوری در خلق اعتبار را داشته باشد. از نظر وی الزام مؤسسات و نهادهای اعتباری به قرض‌گیری بلندمدت و قرض دهی کوتاه مدت برای جلوگیری از بدهی بیشتر از دارایی در شرایط قبل از سر رسید وام و سپرده بسیار ضروری است. الگوی پیشنهادی موریس آله این امکان را می‌دهد که تا شفافیت اطلاعاتی ایجاد و از خلق اعتبار و تقسیم سود و درآمدهای حاصله به ذی‌نفعان بدون هویت جلوگیری گردد.

ایرادی که موریس آله به الگوی پیشنهادی فیشر و سیمونز در خصوص ذخیره صد در صدی پول می‌گیرد؛ در نظر گرفتن سایر دارایی‌هایی است که می‌تواند به عنوان جانشین پول اعم از اسناد خزانه و اوراق بهادار دولتی توسط بانک‌ها به عنوان ذخیره پولی مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس دیدگاه وی چنین گسترشی در مفهوم ذخیره صد در صدی پول باعث شده است تا نتایج مورد نظر از این روش حاصل نشود. (فیلیس، ۱۹۹۴)

در دیدگاه ذخیره، صد در صدی پول به عنوان پشتوانه برای کارکرد بانک‌ها در خلق اعتبار در نقطه مقابل دیدگاه اعتباری محض قرار می‌گیرد تا آثار سوء ناشی از خلق نامحدود اعتبار و فروپاشی مکانیزم پایه گذاری شده بر اساس انتزاع جعلی را از میان

بردارد.

این الگو اقتباسی از ساز و کار پول کاغذی با پشتوانه صد در صدی ارزش ذاتی مسکوکات طلا و نقره است که تماماً جایگاه ماهیت عینی پول برای پشتوانه ماهیت ذهنی و قراردادی بکار گرفته شده است. لیکن در این جایگاه، چون ماهیت ذهنی تصویر مشترک و یکسانی را (در مقابل ارزش ذاتی مسکوکات) در ذهن برقرار نمی‌کند نیاز به ساز و کار دولتی برای تنظیم امور مالی و بانکی ضروری است. در عین حال این امکان وجود دارد که ورود دولت برای انتشار انحصاری پول کاغذی فی‌نفسه مشکلاتی را از ناحیه عملکرد دولت ایجاد نماید. از این روست که دیدگاه‌های متفاوتی در میان اندیشمندان طرفدار ذخیره صد درصدی پول وجود دارد.

این تعریف متفاوت از ذخیره صد در صدی پول در تحلیل سیمونز و در انتقاد موریس آل به خوبی قابل مشاهده است. در دیدگاه موریس آل در تحلیل موضوع جعل پول و انتزاع ناشی از آن با دیدگاه‌های فیشر و سیمونز ارائه راه کارهایی نظیر دریافت هزینه کارمزد، سرمایه گذاری مستقیم، قرض دهی کوتاه مدت و قرض گیری بلندمدت پیشنهاداتی است که در بستر عدم دخالت دولت قابلیت اجرا دارد، هر چند اصل نگرش ذخیره صد در صدی پول مد نظر وی نیز قرار می‌گیرد.

۴- رویکرد اسلامی در مورد ماهیت پول

در نگرش اسلامی تمرکز بر اهمیت و چیستی پول بیش از اهمیت کارکرد پول مورد توجه قرار گرفته است. این وجه تمایز میان ماهیت و کارکرد پولی با هدف بررسی جنبه‌های فقهی پول است که در استنتاج‌های فقهی به کار می‌رود. بنابراین آنچه برای فقیهان اسلامی اهمیت دارد شناخت ماهیت غیر پولی اشیایی است که نقش پول را ایفا می‌کند. این نگاه در مقابل دیدگاه اقتصادی است که از پول شناخت چیستی چندان لزومی ندارد و تنها وظیفه و کارکرد آن مدنظر است. حاصل چنین برداشتی از مفهوم پول دربیچه‌ای از احکامی فقهی را می‌گشاید که در حوزه اقتصاد پولی امکان تفسیر نتایج آن وجود دارد. به طور نمونه مصادیق ربای معاملی در خصوص پول با تکیه بر انتزاع ذهنی، حرمت ربا و جبران کاهش ارزش پولی، محدودیت‌های شرعی در انتشار پول پر قدرت، خلق اعتبار بانکی توسط بانک‌های تجاری، پولی کردن کسری بودجه و ضمان دولت در برابر کاهش ارزش پولی، همگی از مصادیقی است که در حوزه اندیشه

اسلامی دارای پاسخ اند و در اقتصاد پولی با نگرش اسلامی به عنوان یک پارادایم می‌تواند مبنای نظریه پردازی باشد. این شیوه برخورد با مفهوم پول در عین وجود اشتراکات مفهومی و یا مصداقی با دیدگاه اندیشمندان غیر اسلامی نوآوری‌هایی را نیز در زمینه پول مطرح می‌کند، به نحوی که این نگرش نتایج حائز اهمیتی را در مقایسه و مقابله با اندیشه‌های رقیب ایجاد می‌کند.

در نگاه اسلامی تأکید بر نقش بازگشتی ماهیت ذهنی و اعتباری به مفهوم حقیقی و عینی در جهان خارج وجود دارد لیکن این نقطه اشتراک میان مکاتب اقتصادی و رویکرد اسلامی، نتایج یکسانی را ایجاد نمی‌کند. در نگرش اسلامی جهان اعتبار و جهان تکوین دو جهان هستند که با هم در ارتباط و در تعامل اند و اعتبار و مفاهیم اعتباری بر گرفته از مفاهیم تکوینی هستند. از این روست که صفت اضافی و عرضی بر پایه صفت ذاتی و جوهری استوار می‌شود (طباطبایی ۱۳۶۳). این نگاه در اندیشه اسلامی از چند طیف مفهوم پول را از دیگر کارکردهای پولی متمایز می‌کند. به طوری که چنانچه ماهیت‌های پولی از اعتبار به ذات ارزش تغییر نماید، احکام فقهی تغییر خواهد کرد. به طور مثال تبدیل مسکوک طلا به شمش طلا اتلاق ذکات بر مال را ساقط می‌کند. این به مفهوم خروج از گردش پولی ارزش اعتباری و در نتیجه کاهش آثار اقتصادی چنین گردش اعتباری است (هاشمی شاهرودی ۱۳۷۴).

عدم جواز استفاده از پول مغشوش و قلب شده و در عین حال جواز پول دارای ناخالصی که آحاد جامعه از ناخالصی آن اطلاع کامل دارند نمونه‌هایی از این رهیافت است. در نمونه اول اصل بر عدم جعل و عدم کم فروشی پول در مقابل سایر کالاها قرار دارد. در نمونه دوم تأکید بر اصل اعتماد عمومی، قرارداد اجتماعی پول و اتصاف یک صفت ذاتی مشترک در ذهن قاطبه اجتماع به یک مفهوم انتزاعی است که ماهیت آن را از نمونه اول کاملاً متمایز می‌کند. این شیوه نگاه در روش غربی با تمرکز بر کارکرد پول چنین نتایجی حاصل نمی‌شود (یوسفی ۱۳۷۷). همچنین پول به مفهوم انتزاع ذهنی و یا اعتبار جعلی در نگرش اسلامی دارای ماهیت مثلی و یا قیمی است که این ماهیت مثلی و قیمی در قرارداد عرفی در ابتدای انجام مبادله می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این مسیر تأکید بر ارزش اسمی و واحدهای پولی مکتوب به عنوان ماهیت مثلی و یا توجه به قدرت خرید پولی به عنوان ماهیت قیمی پول در هر قرارداد، نقطه بازگشتی به ذات ماهیت عینی کالایی را مشخص خواهد کرد. از این رو نوع برخورد حقوقی به پول به عنوان یک دین می‌تواند نوع رفتار اقتصادی متناسب با آن را تغییر

دهد.

چنانچه رفتار عرفی از پول انتزاعی ذهنی با اتصاف یک صفت حقیقی و ذاتی به پول باشد به نحوی که کاغذ بی ارزش پولی با واحدهای مکتوب قرار داد شده بر روی آن دقیقاً با ارزش ذاتی مسکوک طلا برابری کند. در این شرایط عملکرد دولت و یا بانک به عنوان یک تولید کننده انحصاری از پول ذهنی انتزاعی و یا اعتبار جعلی که به کاهش ارزش پولی و دارایی بخشی از جامعه می انجامد، موجب ضمان دولت و یا بانک است. چرا که در نگاه عرف، پول انتشار یافته و یا اعتبار خلق شده به عنوان یک صفت حقیقی در ذهن جامعه جای گرفته است و پس نمی توان با هدف پولی کردن کسری بودجه و یا گسترش منابع مالی بانکی حتی با ساز و کار عقود اسلامی به انتشار پول و یا خلق اعتبار اقدام نمود. در مقابل چنانچه این ویژگی در شرایطی مطرح شود که عرضه و تقاضای بازار ارزش پولی را تغییر دهد (مانند تغییرات ارزش پولی در مقابل ارز) هیچ ضمان و تعهدی وجود ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ص ۶۶).

در نتیجه در نگرش فقیهان اسلامی این ماهیت و چیستی پول است که در کانون توجه قرار می گیرد و نتایج آن در ارتباط میان انتزاع ذهنی از پول و یا ارتکاز اعتباری، همواره با ذات و ماهیت عینی پول اصطیاد می شود و هیچ گاه این ارتباط قطع نمی شود.

تأکید بر اعتماد و قرارداد اجتماعی در اتصاف ماهیت ذاتی به مفهوم انتزاعی و ذهنی پول کاغذی و تعریف مشخص از موضوع مبادله بر اساس ارزش مثلی و یا قیمی، حلقه اصلی است که میان کارکرد انتزاعی و ذهنی پول را با نقش ذاتی ارزش آن برقرار می کند. توجه به ماهیت و چیستی پول دلیل نوع نگاه و تحلیل در نگرش اسلامی است. تفاوت این نگرش عدم توجه صرف به نقش پول و تمرکز بر وظایف آن در کارکرد اقتصادی است و از این رو نگاه اسلامی به ماهیت و مفهوم پول را با رویکرد غرب متمایز می کند. وجه دیگر تمایز رویکرد اسلامی و غربی در فلسفه مالکیت نهفته است که تفسیر مباحث اقتصادی در زمینه پول و اعتبار را به عنوان یک انتزاع ذهنی با نگرش متعارف اقتصادی متمایز می کند. جدای این که مالکیت حقیقی همه چیز از آن پروردگار است، مالکیت افراد بر اشیاء دو شکل دارد. مالکیت حقیقی و مالکیت اعتباری (به مفهوم عام آن).

مالکیت حقیقی قائم به ذات است مانند مالکیت انسان بر بدن به عنوان یک موهبت الهی، آنچه این مالکیت را از ذات آن جدا می کند مرگ و یا حوادث طبیعی است که منجر به قطع عضو شود. لیکن مالکیت اعتباری فی نفسه قائم به ذات نیست و می توان

بین مالک و ملک جدایی انداخت. این جدایی می‌تواند از طریق مرگ، فروش، دزدی و یا هبه از میان برود و از ناحیه ارث، خرید و یا هدیه اخذ شود (طباطبایی ۱۳۶۳).

پول به عنوان یک ملک اعتباری (در مقابل قائم به ذات) از ناحیه سپرده گذاری نزد بانک هر چند از مالک جدا می‌شود لیکن مالکیت آن از میان نمی‌رود بلکه تنها به امانت گذاشته می‌شود. بنابراین بانک نمی‌تواند بدون وکالت، پول سپرده‌گذار را تصرف کند و در زمان بازپرداخت پول، وجه سپرده فرد دیگری را تودیع نماید. پول سپرده‌گذار عملاً در چارچوب عقود اسلامی نزد بانک حبس می‌شود. عدم امکان بدهکاری و طلبکاری هم‌زمان برای بانک تجاری و عدم ایجاب تغییر در عملکرد بانک به عنوان یک موسسه سرمایه گذاری و یا موسسه‌ای با کارکرد بانکداری مباحثی نظیر «هجوم بانکی» و «ورشکستگی بانکی» را در پرتو این ساز و کار معنی نمی‌دهد. نکته مهم در حصول چنین نتایجی ایجاد تصویر مشترک ذهنی و انتزاعی از ماهیت پولی با تأکید بر قرارداد اجتماعی و عرفی و بازگشت به مفاهیم عینی بدون ایجاد تغییر در ترکیب توزیع ثروت و درآمد جامعه است. امری که می‌تواند بدون دخالت دولت و نظارت پولی نیز سامان یابد. به بیان دیگر باید پول توسط بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذار چه به صورت سپرده قرض‌الحسنه و چه به عنوان مشارکت در سود و زیان حبس شود. به طوری که پرداخت پول از ناحیه قرض دهنده به قرض گیرنده به مفهوم کاهش قدرت پولی قرض دهنده و انتقال قدرت خرید به قرض گیرنده باشد. ضمن اینکه قرارداد قرض در ابتدا به روشنی بر پایه ماهیت پولی قرض و بدون اضافه پولی (بهره پولی) برای طرفین تفهیم شده است. این موضوع برای الگوهای مشارکتی عیناً با توجه به تفاوت‌های میان قراردادهای مشارکت در سود و زیان و شیوه قرض‌الحسنه قابل تسری است. در این راستا امکان هم‌زمانی بدهکاری و طلبکاری از ناحیه بانک و قطع رابطه میان سپرده‌گذار و بانک و همچنین رابطه میان سرمایه‌پذیر و سپرده‌گذار قابل پذیرش نیست، در نتیجه امکان جعل ذهنی منتفی است.

در عین حال توجه بیشتر اندیشمندان اسلامی معطوف حرمت ربا و دوری از بهره در معاملات پولی است. در این میان هرچند دولت به عنوان متولی انتشار پول رسمی (یا پول به مفهوم قرارداد ذهنی)، در خصوص کاهش ارزش پولی ضامن است و از سوی دیگر بانک باید به عنوان وکیل سپرده‌گذار اصل پول را در سرمایه‌گذاری شریک کند. همچنین شرط قبض یک راه برای کاهش تأثیر مکانیزم خلق پول بانکی است. لیکن سوال اساسی در این موضوع که آیا بانک در چارچوب سپرده‌پذیری می‌تواند به خلق

اعتبار مبادرت کرده و در مسیر عقود اسلامی فعالیت کند به صراحت و روشنی دیدگاه‌های غربی تحقیقی مشاهده نمی‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

انسان در تصور و تحلیل پدیده‌های پیرامون در پی شناخت حقیقت، ماهیت و صورت معقول آن‌هاست. مشاهده عینی آغاز تصویری است که از شیء در ذهن ایجاد می‌شود. خصوصیت این تصور آن است که در تمام ادراکات بشری به شکل یکسان ارتکاز می‌شود. در حقیقت خاصیت مواهب خدادادی به عنوان ذخیره کالایی در اختیار بشر این است که تصویری واحد را در ذهن عقلایی ایجاد نماید.

در این راستا پول فلزی با منشأ طبیعی و خدادادی کارکردی خودکار در یک اقتصاد پولی ایجاد می‌کند که دلیل آن وجود ارتکاز یکسان از ماهیت پولی است.

پول به شکل ماهیت ذهنی با فاصله زمانی دورتر، ابتکاری است که بشر توانسته است در کنار دیگر ماهیت‌های دیگر انتزاعی، ایجاد و در چیدمان تصورات منطقی خود بکار گیرد. زبان، فلسفه و ریاضیات از جمله مباحثی است که انسان عقلایی آن را به عنوان تصویری تماماً ذهنی اصطیاد می‌کند و بر اساس آن اندیشه‌های ذهنی دیگری را پایه‌گذاری و در پی آن مبانی، مفاهیم دیگری را بسط می‌دهد.

پول بدون پشتوانه با ماهیت ذهنی صرف، به دلیل کارکرد وسیع و همگیر آن در اجتماع، این خصوصیت را دارد که در تمام افراد به یک شکل اصطیاد نشود. یا در صورت اتصاف به یک ارزش ذاتی در تمام اذهان، به واسطه عرضه با کشش و هزینه‌های پایین تولید مورد جعل و یا سوءاستفاده قرار گیرد. در عین حال عبور از مرزهای عینی به ماهیت ذهنی و جعلی یک موضوع در تمامی انتزاعات مشترک است و آن الگوی پذیری از یک ماهیت عینی در ارتکاز ذهنی و یا جعلی است. به بیان دیگر در نگاه کلی ذهن انسان هیچ‌گاه نتوانسته است تا یک ماهیت کاملاً ذهنی را بدون وجود ریشه‌های حقیقی خلق نماید. این به معنی عدم وجود یک سابقه تاریخی نیست بلکه به معنی عدم توانایی ذاتی ذهن در ارتکاز ماهیت کاملاً ذهنی و جعلی است. این مسئله در مورد پول به عنوان ماهیت ذهنی و یا جعلی (با وجود اعتباری بدون پشتوانه) چند نتیجه را حاصل می‌کند.

۱- انسان‌ها در استفاده از پول با منشأ ذهنی و جعلی (و نه مبنای فلزی و کالایی) در تعاملات اجتماعی به یک اندازه از ظرفیت عقلی و هوش اجتماعی برخوردار نیستند و لذا تصور پول بدون پشتوانه و اتّصاف ارزش ذاتی به پول اسمی کاغذی و یا اعتبار کاملاً جعلی مستلزم یک قواعد عرفی و قرارداد اجتماعی است تا بتواند یک تصور واحد را در جامعه ایجاد نماید تا بتوان در پرتو آن رفاه جامعه را تضمین کرد.

۲- پول بدون پشتوانه به عنوان یک پدیده ابتکاری برای سهولت در روابط اقتصادی ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را از سایر کالاها مجزا می‌کند. کشش تولیدی بالا و هزینه بسیار پایین تولید بک قدرت کاملاً انحصاری را به تولید کننده آن می‌دهد.

۳- کانون بازگشتی از پول بدون پشتوانه و یا اعتبار محض به ماهیت حقیقی مطابق با اصل پذیرفته شده از عدم ارتکاز ماهیت‌های ذهنی محض بدون الگو گرفتن از ماهیت‌های عینی و حقیقی به مفهوم عدم امکان ایجاد دارایی‌های با ماهیت کاملاً مجازی برای جذب پول و اعتبار بدون پشتوانه است.

به بیان دیگر نمی‌توان تعادل اقتصادی را بر پایه امور کاملاً مجازی شامل اعتبار محض و موجودی سرمایه کاغذی قرار داد و چنانچه ابتکاراتی هم وجود داشته باشد بسیار لرزان است. از این روست که در سازوکار اعتباری با منشأ خلق اعتبار از هیچ، اقتصاد را با عدم تعادل و نوسانات دوره‌ای مواجه می‌سازد.

نگاه‌های متفاوت اندیشه غیر اسلامی و اسلامی به این موضوع راه کارهای مختلفی را ارائه می‌کند.

در نگرش مارکس این مسئله به تضاد و فروپاشی در نظام سرمایه داری می‌انجامد و نظامی بدون کارکرد قیمتی و پولی شکل می‌گیرد. در بستر اقتصاد پولی متعارف عقلانیت و پدیده اطلاعات شرایط تعادل را بر قرار می‌کند. در نگرش موافقان نظام اعتباری محض این مهم از طریق تورم خود افزا و شتابان و نیز پس انداز اجباری و تغییر در توزیع درآمد، در فضای تعادل بهره پولی و بهره طبیعی، بر قرار می‌شود. در نگاه اصلاح طلبان و بازگشت کنندگان به نظام ذخیره صد در صدی پول کاملاً دولتی، با الگوگیری از فراگرد پول فلزی در پرتو اعمال نظارت مشروع و قانونی دولت این مکانیزم به تعادل باز می‌گردد. نگاه اندیشمندان اسلامی به این موضوع با تاکید بر ماهیت و چیستی پول به جای کارکرد پولی استوار می‌شود. در این راستا نظام مالکیت،

عدم انقطاع رابطه پس انداز و سرمایه‌گذاری، تعریف منحصر به فرد رابطه بانک با سپرده‌گذار و وام‌گیرنده و نیز کارکرد نظام بانکی، در کنار عواملی نظیر ضمان دولت و بانک در کاهش ارزش پول در بستر افزایش خلق پول و اعتبار نقشی مهم در ارتباط ماهیت عینی پول در برابر ارتکاز ذهنی و جعلی از آن ایفا می‌کند. در عین حال توجه اندیشمندان اسلامی معطوف حرمت ربا در فضای اقتصاد پولی است و در مورد خلق اعتبار بانکی در چارچوب عقود اسلامی توجهی نشده است و رویکرد اندیشمندان غربی در این خصوص کامل‌تر است.

منابع

- ابراهیمی، حسین، (۱۳۷۲)، *ربا و قرض در اسلام*، قم: انتشارات فرا نشر.
- ازوجی، علاءالدین، فرهادی کیا، علی‌رضا، (۱۳۸۶)، ارزیابی اثرات سیاست‌های آزادسازی مالی و تغییرات نرخ بهره بانکی بر توسعه بخش مالی اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴.
- بلانچارد، اولیویر جین، فیشر، استنلی، (۱۳۷۶)، *درس‌هایی در اقتصاد کلان*، جلد اول، ترجمه ختائی مسعود و محمدی تیمور، تهران: انتشارات سازمان برنامه بودجه.
- تفضلی، فریدون، (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های اقتصادی لودویک فون میزس*، تهران: نشر نی.
- تفضلی، فریدون، (۱۳۷۲)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران: نشر نی.
- توانائیان فرد، حسن، (۱۳۸۵)، *فرهنگ تشریحی اقتصاد*، تهران: شرکت نشر الکترونیکی اطلاع رسانی جهان رایانه.
- توسلی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۴)، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- خوانساری محمد، (۱۳۶۳)، *منطق صوری*، تهران: انتشارات آگاه.
- دانشگاه امام صادق (ع) - معاونت پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، وزارت امور اقتصادی و دارائی - معاونت امور اقتصادی، (۱۳۸۸)، *بحران مالی سال ۲۰۰۸: ریشه‌ها، پیامدها و راهکارها*، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی.
- داوودی، پرویز، صمصامی، حسین، (۱۳۸۸)، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- داوودی، پرویز، محقق، محمد جواد، (۱۳۸۷)، *بانکداری محدود*، جستارهای اقتصادی دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال پنجم شماره ۱۰.
- درخشان، مسعود، (۱۳۸۷)، ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران، تهران: موسسه تدبیر اقتصاد.
- دلالی اصفهانی، رحیم، واعظ برزانی، محمد، رفیعی دهکردی رضا، (۱۳۸۷)، *تأثیر واسطه‌های مالی بر رشد اقتصادی ایران*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۸ (ویژه اقتصاد).
- دلالی اصفهانی، رحیم، واعظ برزانی، محمد، قیاسوند، محمد، سعید، (۱۳۸۶)، *کاربرد تئوری مقدار بهینه پول در ایران*، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.
- رضائی میرقاند، محسن، (۱۳۷۱)، *تئوری ارزش و قیمت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ریمون، بارتلر، (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی هایک*، ترجمه تفضلی فریدون، تهران: نشر نی.

- شهید صدر، محمد باقر، (۱۳۶۰)، *بانک اسلامی*، ترجمه خنجی، ح، ا، قم: انتشارات الفتح.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۳)، *تفسیر المیزان*، جلد اول، ترجمه موسوی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طیبی، سید کامیل، ترکی، لایلا، (۱۳۸۹)، *ارزیابی اثر آزادسازی مالی بر نوسان‌های نرخ ارز کشورهای در حال توسعه*، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۳.
- عیوضلو، حسین، میثمی، حسین، (۱۳۸۷)، *بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف*، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱.
- غنی نژاد اهری، موسی، (۱۳۸۱)، *درباره هایک*، تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- کميجانی، اکبر و همکاران، (۱۳۷۴)، *سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی*، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- کینز، جان مینارد، (۱۳۴۸)، *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*، ترجمه فرهنگ، منوچهر، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی.
- گزل، سیلیو، (۱۳۸۳)، *نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد*، ترجمه بیضائی، سید ابراهیم، تهران: انتشارات سمت.
- لایونل، رابینز، (۱۳۸۴)، *تاریخ اندیشه اقتصادی*، ترجمه آزاد ارمکی، غلامرضا، تهران: نشر نی.
- مارکس، کارل، (۱۳۶۳)، *مبانی نقد اقتصاد سیاسی*، ترجمه پرهام، باقر و تدین، احمد، تهران: انتشارات آگه.
- مارکس، کارل، (۱۳۸۶)، *سرمایه*، ترجمه مرتضوی، حسن، تهران: انتشارات آگه.
- مجاهدی مؤخر، محمد مهدی، دلالی اصفهانی، رحیم، صمدی، سعید، بخشی دستجردی، رسول، (۱۳۹۰)، *مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره‌ی جزئی با تاکید بر رهیافت موريس آله*، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۵.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، قم: انتشارات صدرا.
- موسویان، سید عباس، (۱۳۸۸)، *مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۳۵.
- میر معزی، سید حسین، (۱۳۸۴)، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۷۱)، *احکام فقهی کاهش ارزش پول*، قم: مجله فقه اهل بیت (ع) شماره ۱۳۷۴، ۲.
- هندرسن، ج و کوانت، ا، *تئوری اقتصاد خرد (تقرّب ریاضی)*، ترجمه قره‌باغیان، مرتضی و پژوهیان، جمشید، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- واریان، هال، (۱۳۷۸)، *تحلیل اقتصاد خرد*، ترجمه حسینی رضا، تهران: نشر نی.

واعظ برزان، محمد، دلّالی اصفهانی، رحیم، درویشی دهکردی، مهدی، (۱۳۸۷)، رقابت‌پذیری بانکداری غیرریوی در عرصه بانکداری رایج بین‌الملل، جستارهای اقتصادی دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال پنجم شماره ۹.

یوسفی، احمد علی، (۱۳۷۷)، ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Allais, Maurice, (1993), "The Monetary Conditions of an Economy of Markets, from the Teachings of the Past to the Reforms of Tomorrow", Islamic Research and Training Institute. JEDDAH, SAUDI ARABIA.
- Allais, Maurice, (1947), "Economie et Interet", Paris, Librarie Des Publication Officielles.
- Allais, Maurice, (1987), "The Credit Mechanisem and its Implications" In Arrow and the Foundation of the Theory of Economic Policy, G. R. Feiwel (Ed.) London: Macmillan.
- Bellofiore R, (1994), "Between Wicksell and Hayek Mises Theory of Money and Credit Revisited", American Journal of Economics and Sociology, Vol. 57, No. 4.
- Bewley. T, (1982), "An Integration of Equilibrium Theory and Turnpike Theory", Journal of Mathematical Economics, Vol 10, P233-267.
- Bewley. T, (1983), "A Difficalty with the Optimum Quantity of Money ", Econometrica.
- Birchenhall, C, Grout, P, (1984), "Mathematics for Modern Economics" Simon and Schuster International Group, New York.
- Black.J, (2002), "Oxford Dictionary of Economics", Oxford University Press
- Dow. Sheila C, (1996), "Why the Banking System should be Regulated" The Economic Journal, 106, pp. 698-707.
- Evan Kraft, Tomisavl Calac (2007), "Deposit interest rates, asset risk and bank failure in Croatia" Journal of Financial Stability. 24. pp. 312-336.
- Filippo Cesarano, (1998), "Providing for the Optimum Quantity of Money" Jornal of Economic Studies Vol25 No 6.
- Fisher, Irving, (1933) "The Debt-Deflation Theory of Great epressions", Econometrica, Vol1 337-57.
- Fisher, Irving (1934c). "The 100% System and Bank Credit", American Banker. (December7):2
- Francesco Columba, (2009), "Narrow Money and Transaction Technology: New Disaggregated Evidence" Journal of Economics and Business, Vol. 61, 312-325.
- Friedman. M, (1969), "The Optimum Quantity of Money and Other Essays", Chicago, Aldine.
- Harald Hagemann, (2001), " Wicksell's New Theory of Crises: An Introduction", Structural Change and Economic Dynamics, vol. 12, issue 3, pages 331-334.
- John Eatwell, Murray Milgate and Peter Newman, (1987), "The New Palgrave and Dictionary of Economics", London, the Macmillan Press Ltd.
- John H. Kraken and Neil Wallace, (1978), "Deposit Insurance and Bank Regulation; a Partial – Equilibrium Exposition" Journal of Business, Vol. 57, No. 3, Jul. pp 413-438.

- Jurg, Niehans, (1987), "Classical Monetary Theory, New and Old" Journal of Money, Credit and Banking: vol 19.
- Kilin.M and Neyapti.B, (2012) "Bank Regulation and Supervision and its Welfare Implication" Economic Modeling. Vol. 29(2), pages 132-141.
- Kobayakawa. Shuji and Nakamora Hisashi, (2000), "A Theatrical Analysis of Narrow Banking Proposal" Monetary and Economic Studies. May. pp. 105-118.
- Luis A. Hernandez –Aramburo, (1995). "Book Review Wicksell's Monetary Theory", Journal of Economics and Control. Vol 19.
- Noales, A, Fernandez, E, Ruiz, J, (2009), "Economic Growth: Theory and Numerical Solution Methods", Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- Ono, yoshiyasu, (1994), "Money, Interest and Stagnation-Dynamic Theory and Keynes's Economics", London, Oxford University Press.
- Roger E.Backhouse, (2000), "Early Histories of Economic Thought 1824-1914", London, Routledge 11New Fetter Lane.
- Ronnie J. Phillips, (1994), "The Chicago Plan and New Deal Banking Reform", New York, M. E. Sharping.
- Ronnie J. Philips, (1992), "Credit Market and Narrow Banking". Annual Meeting of the Eastern Economics Association. New York City, March, Working Paper, No. 77
- Simons. Henry, (1935), "Review: Lauchlin Currie, the Supply and Control of Money in the United States", Journal of Political Economy, (August), and 555-8.
- Von Hayek, F. A, (1933), "Monetary Theory and the Trade Cycle". London: Jonathan Cape.
- Von Hayek, F. A, (1935), "Prices and Production". London: Routledge .
- Von Mises. L, (1943), "Elastic Expectation and The Austrian Theory OF the Trade Cycle", Economica, pp12-33.
- Von Mises. L, (1949), "Human Action: A Treatise on conomics", New Haven, CT: Yale University Press.
- Von Mises. L, (1971), "The Theory of Money and Credit", New Haven, CT: Yale University Press.
- Wicksell, K, (1907), "The Influence of the Rate of Interest on Price", the Economic Journal, pp. 213–220.
- Yan li, (2009), "The Theory of Fiat Money and Private Money as Alternative Media of Exchange", International Review of Economics and Finance, Vol. 18, pp. 568-582.

